

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عزت آهنگر "نیزک"

تگرگ واره و تبار

شب است، یک شب طولانی و شبی یلدا
مگر که صبح به هیچ قیمتی نشد پیدا
شبی کثیف و خبیث از نفیر ببر زبون
و باد تفتیده از مسیر شهر جنون
تگرگ واره و تبار
بجسم آرزوی من نشانه میگیرد
شبی ز نسل ورم کردگان جنس کبود
به شهر دوزخ هجرت
میان کابوس وحشت
بهار بود؟ نبود
شبی ز حادثه مملو سیاه و گنگ و پلید
رسید تنوره کنان در کنار بستر من
و برد زوزه کنان سرو ماه پیکر من
شکست شیشه عمر عزیز همسر من
رفیق همسفر رزم و یار سنگر من
و برد آنچه در آن عمر همدیف شبان
بخود سرشته بودم

بدست طوفان داد هستی موجود مرا
از او به بعد زدند قیر تیره روزی را
به سرنوشت من و مرغکان شانه من
که نو پرانچه بودند

دگر تموز تهاجم بسوخت بخت مرا
و شعله هاش ز عمق وجود شراره کشید
شبی خطیر و پر از ازدحام حادثه ها
به من مقدر شد
دلم میان دو سنگ آسیاب و پرپر شد

یک آسیاب غم هجر و هجرتی تنها
و آسیاب دیگر زن و فقر فرهنگها
مرا شکست در آن لحظه درد بی همتا
تمام تن همه درد و تاجر و شیون
تمام هستی من ناله و غم و ماتم

دلم چو ماهی بریان به کوره های الم
خدا خودش به تحیر نشست در غم من
که این چه رنج عظیم و عمیق و سنگین است
سزاوتش بمن این جا سزای تمکین است !
بلی ! شب است ، این شب یلدا

و صبح ناپیداست
که رنگ خون دارد
و مهرش سپاهی پر از جنون دارد
بزیر سم ستورش هزار لاله مقتول ، لمیده در دل صحرا
بپاس اشعه روشنگر شکوه تمنا
سحر شود پیدا؟